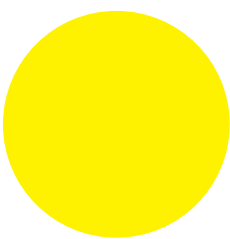




ایران



• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

- مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های مشهوری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه آیزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
- انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

• امار عملی (۴):

انصاف داشتن، برترین خصلت هاست.



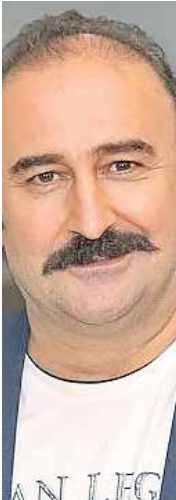
سخن‌روز

غزال‌الحکم / ۹۷۱



مهران احمدی با «آقای زالو» در سینماها

«آقای زالو» فیلم جدید مهران احمدی که به تازگی پروانه نمایش آن صادر شده است، پس از انجام مراحل فنی برای اکران در سینماها آماده می‌شود. امین حبیبی، هادی کاظمی، مهران مدیری، مونا فرجاد، زاله صامتی، بهرنگ علوی، یوسف صیادی، محمدرضا علیمردانی، غلامرضا نیکخواه، خسرو احمدی، سامان مهکویه، امین فصیح، باران احمدی، سعید برجعلی، علیرضا آشوری، عین‌الله دریایی و مهران احمدی بازیگران فیلم سینمایی «آقای زالو» هستند. **امهر**



حال خوش جکی چان در ۷۱ سالگی

جکی چان این روزها سرگرم فیلم تازه‌اش یا نام «بچه کاراته‌کار: اسطوره‌ها» (Karate Kid: Legends) است و نقش «آقای هان» را تکرار می‌کند و نظارش این است که «بازیگری در صحنه‌های اکشن در جان و روح من است.» او می‌گوید: «همیشه خودم بدلکاری می‌کنم. چنین بازیگری هستم، تغییری نمی‌کند تا روزی که بازیاشتمه می‌شوم، یعنی هرگز راستش را بخواهید ۶۴ سال متوالی این کار را کرده باشید، نیازی به کسب آمادگی جسمانی نیست.» / **صبا**



نصرت‌الله مدقالچی در تدارک دوبله «آن شرلی»

نصرت‌الله مدقالچی که این روزها در تدارک فصل جدید دوبله انیمیشن «آن شرلی» است، به تازگی برای عمل جراحی کیسه صفرا در بیمارستان بستری شده است. او درباره مجموعه جدید «آن شرلی» می‌گوید: «قرار است در ماه‌های آینده دوبله آن را آغاز کنم، این مجموعه نسبت به مجموعه‌های قبل کمی متفاوت است: به این دلیل که تصاویر جذابیت گذشته را ندارد و همه اینها به دلیل هوش مصنوعی و ابزارهای جدید است. اما چهره خود شخصیت آن شرلی و دیانا و کمی هم شخصیت متیو به نظر خوب است.» / **ایسنا**



سینما وفادار به اقتباس ادبی نیست

به نظر من یک اقتباس کاملاً وفادارانه از ادبیات در سینما نتیجه مناسبی به همراه ندارد. اگر به اقتباس‌های مهم دنیا نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که نتیجه نهایی آن‌ها بیش از سینما به قلم‌رمان شبیه هستند. در نتیجه بهتر است شرایط و قصه زندگی خودمان را وارد جهان فیلم کنیم. ادبیات ایران هم چندان صورتی تخیلی ندارد و شاید تنها بتوان به منطق الطیر عطار و شاهنامه فردوسی اشاره کرد. در سال‌های اخیر امکان اقتباس برای همه فیلمسازان وجود ندارد. همین‌طور تیراژ بسیاری از کتاب‌ها به ۳۰۰ جلد هم رسیده و این معضل مهمی است.

گزیده‌ای از صحبت‌های فرزاد مؤتمن در پنجمین نشست تخصصی «کتاب و سینما»



نگاره

هیچ رسانه ای رستار از کتاب نیست



طراح: ولادیمیر پاولیک

کتاب، اینترنت و توهم دانایی

یادداشت



روزنامه‌نگار و منتقد هنری

آیا کتاب بر اثر پیدایش و گسترش بیش از پیش اینترنت و شبکه‌های مجازی و اجتماعی از میان خواهد رفت؟ آیا مردم جهان به جای خواندن کتاب، همان چند جمله کوتاه در شبکه‌های اجتماعی را می‌خوانند؟

پرسش‌هایی از این دست، در دو دهه اخیر، ذهن بسیاری از کتابخوان‌ها، نویسندگان، جامعه‌شناسان و فرهنگ‌مداران را درگیر خود کرده است. در بادی امر، به نظر می‌رسد که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، سایت‌ها و پلتفرم‌ها، نسخه هر چه رسانه و ابزار سنتی است، خواهد پیچید. اما وقتی که به دقت ماجرا را واکاوی می‌کنیم به پیچیدگی‌های بیشتری در این زمینه می‌رسیم و می‌بینیم که رابطه و نسبت اینترنت با امر فرهنگ، موضوعی درهم‌تنیده با مسائل کلان فرهنگ، خرده‌فرهنگ‌ها، سیاست‌های دولت‌ها و منطقه و بین‌الملل و مناسبات اقتصادی در خریدوفروش‌ها و رفتارهای سایبری است. در یک دهه گذشته برخی از روزنامه‌ها به‌طورکامل از نسخه کاغذی به نسخه دیجیتال نقل مکان کردند و معتقدند که ابزار دنیای جدید، همین ابزارهای دیجیتال مثل گوشی‌های هوشمند، تبلت، لپ‌تاپ و کتابخوان‌های دیجیتالی (بوکر‌ریدر) و... است. از دو دهه گذشته هم غول‌های کامپیوتری، نسخه‌های نرم‌افزاری متعددی را به بازار روانه کردند که قابلیت ارائه کتاب را در شکل دیجیتال داشت. ظهور ابرمتن‌ها و ابرپیرتکست (در دنیای اینترنت، راهی برای رهایی از محدودیت‌های دیجیتال در چاپ و انتشار کتاب بود. ناشران و تولیدکنندگان کتاب که متعصبانه از نسخه‌های کاغذی خود در دنیای فیزیکی محافظت می‌کنند، چاره‌ای جز انقطاع در برابر بازار پرسود دنیای دیجیتال نداشتند. آنها هم با بهره‌گیری از فناوری‌های ابرمتن، بخشی از مخاطبان دنیای جدید را با خود همراه کردند. اما مشتریان کتاب گویا هنوز از دنیای داینامیک‌ها می‌آیند و دوست دارند که روی کاغذ منزل‌شان یا فنجانی جای کتابی خوش‌دست با جایی تروتمیز را به دست بگیرند و حروف را دنبال کنند و زیر نور چراغ مطالعه، غرق در دنیای کتاب شوند. این جدال هنوز هم ادامه دارد. در دنیا نمایشگاه‌های بزرگ کتاب برگزار می‌شود و ناشران بزرگ هم کتاب‌هایی را که با هزار وسواس و تشویش منتشر کرده‌اند، به نمایش می‌گذارند و حق نشر آن را به دیگر ناشران می‌فروشند. هنوز هم برای چاپ اول رمان نویسنده محبوب‌شان، هستند کسانی که صف بکشند و افتخار کنند که از جمله اولین کسانی‌اند که رمان جدیدی را خریداری‌اند. اینترنت در نسبت با کتاب، هم مهربان است و هم ناجوانمرد. اینترنت میلیون‌ها صفحه اطلاعات در زمینه‌های مختلف دارد که در ظاهر شگفت‌انگیز است اما در عمل، به کار کسی نمی‌آید؛ چرا که کلمات موجود در اینترنت اطلاعاتی هستند که هنوز به دانش بدل نشده‌اند. در قبال کتابخوانی، ظهور شبکه‌های مجازی و اجتماعی، هم حسن داشته و هم قبح؛ حسن آنجایی بوده که نویسندگان، ناشران و بلاگرهای کتاب در زمانی اندک، توانسته‌اند تعداد زیادی از مردم را با کتاب خود آشنا کنند. اما در سوی دیگر ماجرا، بیماری مهلکی را در دنیا دامن زده است: بیماری آپیدمیک «توهم دانایی» و «شبیه دانش». مردم امروز اطلاعات زیادی را از اینترنت کسب می‌کنند که از کتاب‌های مختلف نقل شده است. خواندن چند مورد از اینها در طول روز، برای بسیاری از خوانندگان و پیگیران فضای مجازی توهمی ایجاد کرده که درباره همه این موضوعات می‌دانند. مشکل اینجاست که این رویه به رسانه‌های جدی هم کشیده شده و آنها هم مخاطب را آسان‌گیر و سهل‌پسند بار می‌آورند و مخاطبی که چنین پرورش یافته، دیگر سخت می‌تواند کتاب در دست بگیرد تا ساعت‌ها با آن کلنجار برود. از این رو شبکه‌های مجازی، مخاطب قدیم کتابخوان را تبدیل کرده‌اند. از این آسیب بزرگ و از این مبتلایان به توهم دانایی، چیزی جز مشت‌ی دنبال‌کننده باقی نمی‌ماند. آنها دیگر مخاطب به معنی آلودینس نیستند، آنها فقط فالوورند. همین، باید دوباره به فکر پروراندن مخاطب باشیم.

گزارش



روزنامه‌نگار

کتاب‌خوانی عادت نیست که بتوان آن را در بزرگسالی القا کرد؛ این سرمایه باید از کودکی شکل بگیرد؛ مدار و مادران در این زمینه نقش کلیدی دارند

برمی‌گردد، هر سال فهرستی نظام‌مند از کتاب‌های برگزیده را ارائه می‌دهد. در این فهرست، کتاب‌ها در دسته‌بندی‌هایی هدفمند مثل «داستان»، «علوم»، «هنر»، «شعر» و غیره معرفی می‌شوند و میان آثار ترجمه‌شده و تألیفی هم تفکیک دقیق صورت گرفته است. از سوی دیگر، جایزه «لاکپشت پرنده» نیز طی سال‌های اخیر اعتبار قابل توجهی پیدا کرده است. این جایزه هر فصل فهرستی از بهترین کتاب‌ها را منتشر می‌کند؛ فهرستی که توسط نویسندگان، منتقدان و کارشناسان حوزه کودک انتخاب می‌شود. لاکپشت پرنده با نشان‌های طلایی و نقره‌ای خود، آثار ارزشمند را معرفی می‌کند و خانواده‌ها را از سردرگمی میان انبوه کتاب‌ها نجات می‌دهد. آنچه این جایزه را ویژه‌تر می‌کند، این است که طی سال‌ها توانسته فراغ از چرچسب‌های سازمانی یا سیاسی، جایگاه قابل اعتمادی نزد جامعه کتاب‌خوان پیدا کند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز هنوز در این مسیر نقش آفرینی می‌کند. هرچند این کانون از اعتبار و نفوذ گذشته فاصله بسیاری گرفته است، اما فهرست‌های سالانه‌اش همچنان منبع قابل اطمینانی برای شناخت آثار قابل‌تأمل در حوزه‌های تألیف و ترجمه هستند. این روزها شبکه‌های اجتماعی نیز به ابزار مهمی برای تشخیص کتاب‌های مناسب تبدیل شده‌اند. والدین می‌توانند صفحات نویسندگان، مترجمان موفق و ناشران تخصصی کتاب‌های کودک و نوجوان را دنبال کنند و از نظرات آنها، نقد‌ها و حتی کامنت‌های کاربران بهره‌گیرند. کتابخوانی عادت نیست که بتوان آن را در بزرگسالی به وجود آورد؛ این سرمایه باید از کودکی شکل بگیرد؛ پدران و مادران در این زمینه نقش کلیدی دارند



صف‌های کتابخوانی یا امضاگیری؟

یادداشت



جامعه‌شناس

در رسانه‌ها صف طولانی برای خرید کتاب یا کتاب‌های ترجمه‌شده عادل فردوسی‌پور را در نمایشگاه کتاب دیدم. قبلاً هم چنین تصویری دیده بودم. عادل فردوسی‌پور نویسنده نیست. البته خواهرش می‌کنم از آنچه گفتم تفسیری نداشته باشید که مراد من نیست. اصلاً قصد تحقیر ندارم و این متن، متنی برای تأمل و درنگی فرهنگی است. منظور من است که ایشان را با این دو عنوان نمی‌شناسند یعنی وقتی صحبت از نویسندگی یا ترجمه در میان باشد بعد است که نامی از ایشان آورده شود. عادل فردوسی‌پور برای عرضه‌های دیگری پرواز است که نیک می‌دانیم و در جای خود بسیار درخشان است (معتقدم عادل فردوسی‌پور

کرد؟ فرض کنید به جای کتاب، کالای دیگری روی میز قرار می‌گرفت و عادل فردوسی‌پور آن را تبلیغ می‌کرد. آیا این صف دوباره تشکیل می‌شد؟ اطمینان دارم که می‌شد. چند درصد از کسانی که در این صف ایستاده‌اند قصد دارند از نزدیک عادل فردوسی‌پور را ببینند و کپ کوتاهی با او بزنند و کتاب در درجه دوم اهمیت قرار دارد؟ یا اساساً کتاب اهمیت دارد؟ چند درصد از کسانی که در صف ایستاده‌اند دقیق می‌دانند که برای خرید کدام کتاب در صف ایستاده‌اند؟ آیا واقعاً نام دقیق کتاب



را می‌دانند؟ و البته موضوع آن را! اگر کسی باید و اعلام کند اصلاً کتابی وجود ندارد، یا کتاب تمام شد، مبلغی پرداخت کنید تا بتوانید وارد سالن شوید و عادل را ببینید، چند درصد به خاطر تمام شدن کتاب صف را ترک خواهند کرد؟ در کل از نظر اجتماعی به این صفا خوشبین نیستیم و آن نشان توسعه فرهنگی ارزشمندی کتاب نیست. دلم، من اساساً پessimist شک دارم که کتاب‌های امضاشده سلبریتی‌ها خوانده شوند. معمولاً این کتاب‌ها از سایر کتاب‌های کتابخانه جدا شده و از آنها محافظت می‌شود و در مواقعی هم با افتخار به دوستان و مهمانان نشان داده می‌شود. به هر حال امضای سلبریتی بر تن آن نشسته است. من تصویر صف زائنی‌ها برای خرید آثار هاروکمی موراکامی را تصویر برانگیزی می‌دانم، حال چه او در کتابفروشی حضور داشته باشد و چه نداشته باشد و غالباً حضور ندارد. شغل ی نویسنده است و خوانندگان، او و حتی امضایش را فقط به خاطر آنچه نوشته دوست دارند.



طنین «مهرساز» در تالار وحدت:



تالار وحدت آخر هفته میزبان یک اجرای موسیقی سنتی با خوانندگی معتبی عسکری خواهد بود که قرار است با گروه موسیقی مهرساز به سرپرستی میثم دانشوری در دوازدهمین سال فعالیت خود، ۲۵ اردیبهشت در تالار وحدت اجرای برنامه داشته باشند. این کنسرت، چهارمین همکاری مشترک این گروه با مجتبی عسکری خواننده موسیقی ایرانی است که در آن ۷ تصنیف و ۲ قطعه ضربی با آهنگسازی و تنظیم میثم دانشوری و رضا عباسی اجرا می‌شوند. میثم دانشوری (تار)، لیدا فالکی مقدم (تار)، رضا عباسی (نی)، حبیب احمدی‌فرد (سنتور)، محسن عبادتی (کمانچه)، یکتا کرمانی (کمانچه)، حجت فرجیان (عود)، پروا علیاری (رباب)، بهنوش حافظی (تنبک) و حامد مردانیان (دف و بندیر)، اعضای گروه مهرساز را در این اجرا تشکیل می‌دهند.

